

اداره آموزش های مردمی معاونت آموزش قوه قضاییه

حقوق شهروندی

از آزادی یک ملت و مردم هر اجتماعی، نهادهایی از جمله دستگاه قضایی آزاد متولد می شود و متقابلاً برای حفظ آزادی مردم، زوده شدن قید و بندها و حفظ کرامت انسان ها، نهادهای آزاد مردمی به خصوص قضات آزاد، نقش اساسی ایفا می کنند.

از عقیده ی صحیح و جاودان یک ملت با آرمان های اصولی و مسلم مردم، افراد و تشکیلات سالم و نظام یافته، شکل گرفته و داوران یا قضات اصولی و آگاه ساخته می شوند و متقابلاً افراد آشنا به حقوق و اصول، بخصوص قضات، حافظ عقیده ی مقدس ملت و اصول اساسی آنها خواهند بود. عرف و رفتارهای مردم مبنای بی چون و چرای پاره ای از دآوری های قضات در حل و فصل دعاوی می شود و متقابلاً تصمیم ها یا آرای قضات که مبنای شکل گیری بسیاری از هنجارهای اجتماعی شده است، در اصولی سازی رفتارهای مردم اثر می گذارد.

امروزه غرب، قواعد خود را بر مدار آزادی، حرمت فرد و حق گرایی در امور، با توجه خاص به دستگاه قضایی تنظیم نموده است. امری که قرن ها پیش حکومت اسلامی نظام و انبیاء عظام (صلوات... علیهم اجمعین) در کمال مطلوب، آن را به بشریت عرضه نمودند و تا کنون نیز تاریخ نشان داده است که برای رسیدن به صلح، آزادی و استقلال راهی جز حرکت در صراط مستقیم و عدل الهی، مؤثر و جاودان نیست.

در هر جامعه ای ارتباط گسترده ی مسائل شهروندان با قضات امری نیست که بر کسی پوشیده باشد. در واقع قضات با زندگی خصوصی و عمومی مردم سر و کار دارند و غیر از برخی امور مانند: مسائل سیاسی یا اخلاقی با جان، مال، ناموس، فکر و اندیشه ی مردم در ارتباط هستند. ضمن این که در دو مورد اخیر هیئت منصفه نیز که اصولاً نهادی مردمی است با قضات در تعاون است تا در پاسداری از اندیشه در فضای باز همکاری، ارتباطی نزدیک تر میان آن دو برقرار باشد. البته امروزه دانش بشری بر عمق این رابطه به نحو فزاینده ای به دستاوردهای قابل اتکالی دست یافته است و ضرورت تعامل با سایر فرهنگ ها را می طلبد؛ حتی در سطح بین المللی نیز چنین رابطه ای قابل توصیه می باشد. شاید تصور شود که کشور ما با برخورداری از تمدنی کهن و مردمی پاینده به فرهنگ غنی اسلام از اتکا به چنین تعاملاتی بی نیاز باشد. لیکن تردیدی نیست که باورهای دینی و ملی ما نه تنها شامل رفتار، گفتار و پندار فردی و اجتماعی در سطح داخلی است، بلکه انگیزه ی دستیابی به رفاه مادی و معنوی ما را به تبعیت از شاخص هایی در سطح زندگی جهانی نیز فرا می خواند. بنابراین در پاسخ به این سؤال بنیادی که تکیه بر ظرفیت های بین المللی تا چه حد مباح است و آیا اساساً رجوع به عقل بشری ضرورت دارد یا خیر؟ می توان گفت که پیامبر ما توصیه می فرماید: اطلبوا العلم ولو بالصین. همچنین در قرآن آمده است: کتاب انزلناه الیک لتخرج الناس من الظلمات الی النور- تا همه ی انسان ها را از تمامی ظلمت ها، نابسامانی ها و نادرستی ها نجات دهد. لذا از دیدگاه وسیع چنین سندی می تواند امکان دستیابی به یافته های جوامع دیگر و همچنین زمینه های اشاعه ی فرهنگی پیام انقلاب را در جهان فراهم نماید.

از طرفی باید اذعان نمود که جایگاه حاکمیت و مدیریت در نگاه اسلام به گونه ای تعریف شده که ضامن تشکیل حکومت عامل به عدل (ان الله یامر بالعدل) و جامعه ی قائم به قسط (لیقوم الناس بالقسط) باشد و موجبات رستگاری فردی را هم در قول و هم در فعل (الذین امنوا و عملوا الصالحات) فراهم آورد. بنابراین ما معتقدیم این همکاری ها می تواند در ایجاد تعامل بین فرهنگ های مختلف و استفاده از علوم متفاوت بشری نقش تعیین کننده ای داشته باشد؛ به ویژه در عصری

عصیان و ظلمت است. امروزه وقتی علل و عوامل بروز بسیاری از جرم‌ها را بررسی می‌کنیم به پیش‌زمینه‌ی تاریک فقر می‌رسیم. سرقت، قاچاق، فحشا، رشوه، اختلاس و بسیاری از جرم‌های دیگر عموماً ناشی از فقر است. پس باید برای رفع فقر چاره‌ای اندیشید.

۲- توسعه و اشتغال و کار: به نحوی با عامل اول ارتباط دارد. یعنی در رفع فقر مؤثر است. ضمن این که خود عامل مستقل و جدا به شمار می‌رود. یکی از عوامل وقوع بزه کاری، بیکاری است که متأسفانه امروزه به علت جوان بودن جمعیت کشور به مشکلی حاد تبدیل شده است. بنابراین برای رفع آن باید اقداماتی جدی صورت پذیرد.

۳- آموزش‌های عمومی برای آشنایی مردم با مسائل مختلف اجتماعی، مدنی و حقوقی: لازم است که دستگاه‌های دخیل در امر فرهنگ جامعه از قبیل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صدا و سیما و دستگاه‌های آموزشی مانند: آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها، رشد فرهنگ عمومی را جزء اصول برنامه‌های خودشان قرار دهند. قوه‌ی قضائیه هم با توجه به وظیفه‌ی ای که در پیشگیری از وقوع جرم دارد باید با مشارکت رسانه‌ها، آموزش‌های حقوقی را گسترش دهد؛ زیرا در پرتو آشنایی مردم با حقوقشان بسیاری از اختلاف‌هایی که منجر به بروز مسائل منازعه‌خیز و ظهور جرم می‌شوند برطرف می‌گردند.

از مهمترین عناصر تأثیرگذار در تبیین "حقوق شهروندی" رشد و ارتقای فرهنگ جامعه است و البته روشن است که این رشد فرهنگ از طریق توسعه‌ی آموزش‌های همگانی تأمین می‌شود.

از جمله رسانه‌هایی که در آموزش همگانی در زمینه‌ی حقوق برای شهروندان می‌توانند موفق عمل کنند: صدا و سیما و جراید می‌باشند. به هر حال باید از همه‌ی ظرفیت‌ها و امکانات برای رشد دانش مردم و آشنایی آنها با حقوق خودشان که از آن به عنوان "حقوق شهروندی" تعبیر کردیم، بهره‌برداری شود.

در حقیقت جامعه‌های ساده و کوچک دوران‌های گذشته شامل: خانواده، همسایگان و تعداد معدودی از افراد دیگر می‌شد. اما امروزه مرزهای این جامعه‌ها گسترش یافته و در هم آمیخته شده است تا جایی که بسیاری از افراد خود را شهروند کشور خاصی تلقی نکرده و خودشان را عضو شبکه‌ی جهانی می‌دانند. به هر حال مجموع این حقوق و تکالیف را می‌توان "حقوق شهروندی" افراد نامید که روابط فرد با فرد و فرد با دولت را شامل می‌شود. در این میان دستگاه قضایی، عمده‌ترین مکانیزم و ضمانت اجرایی اعمال مقررات حاکم بر این روابط می‌باشد که وظیفه دارد زمینه‌های

که با انقلاب اطلاعات و ارتباطات روابط انسانی بدون محدودیت‌های مکانی با حضوری مثبت و اثرگذار امکان استقلال فرهنگی را فراهم ساخته است.

شکی نیست که عدم پذیرش جنبه‌های فرهنگ بیگانه و تأثیرگذاری بر آنها تنها با ایجاد محدودیت در استفاده از نتایج فناوری اطلاعات به دست نمی‌آید؛ بلکه این امر زمانی تحقق خواهد یافت که توانسته باشیم فقه پویای اسلام را با مقتضیات زمان تطبیق داده و با ارائه‌ی الگویی پاسخگو، زمینه‌ی ایجاد مصونیت را در مقابل تهدیدهای ناشی از تهاجم فرهنگی فراهم سازیم.

حقوق شهروندی

شاید در ابتدا شهروند به شهرنشینان گفته می‌شد؛ اما امروزه شهروند به همه‌ی افرادی اطلاق می‌شود که ملیت ایرانی داشته باشند؛ خواه در شهر ساکن باشند یا در روستا اقامت گزیده باشند. بنابراین اگر بخواهیم بر این اساس "حقوق شهروندی" را تعریف کنیم، حقوقی است که قانون اساسی جمهوری اسلامی برای افراد ملت به رسمیت شناخته است. در قانون اساسی برای شهروندان حقوقی در نظر گرفته شده از جمله: حق انتخاب شغل، تأمین اجتماعی، داشتن مسکن، حق اقامت و برخورداری از حمایت قانون و... علاوه بر اینها امروزه توسعه‌ی فناوری و عواقب ناشی از آن الزامات نوپه‌وری را مطرح کرده است که ضرورت دارد حقوق مقابل آن هم به طور مستقل تدوین شود. از جمله‌ی آنها لزوم تأمین آسایش شهروندان، حفظ سلامت آنها و برخورداری از محیط زیست سالم می‌باشد. البته در قوانین مختلف، به طور پراکنده به مواردی از این گونه حقوق اشاره شده است.

هر یک از این مسائل در جای خود اهمیت دارند و نمی‌توان به آنها کم توجه بود به خصوص حقوق خانواده و مسائل کیفری که بر هم تأثیر متقابل دارند. کم توجهی به نهاد خانواده موجب گسترش جرم و رویکرد جزایی می‌شود و جرم و جنایت آثار زیان باری را در خانواده بر جای می‌گذارد.

حقوق شهروندی، حقوقی است که قانون اساسی جمهوری اسلامی برای افراد ملت به رسمیت شناخته است. در قانون اساسی برای شهروندان حقوقی در نظر گرفته شده از جمله: حق انتخاب شغل، تأمین اجتماعی، داشتن مسکن، حق اقامت و برخورداری از حمایت قانون و... و

آشنایی و عمل به آنها را نیز فراهم سازد. پیشگیری از وقوع جرم که به طور مشخص و صریح در بند پنجم اصل ۱۵۶ از وظایف قوه‌ی قضائیه شمرده شده است، دامنه‌ی بسیار گسترده دارد و شایسته است که حقوق دانان، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان به تحلیل و بررسی آن بپردازند و در مسیر اجرایی و عملیاتی کردن این پیام عالی طرح و برنامه ارائه کنند. اما مهمترین عناصر تأثیرگذار در پیشگیری از وقوع جرم عبارتند از:

۱- ریشه کنی فقر و محرومیت: پیامبر گرامی اسلام فرموده است: "کاد الفقر أن یكون کفراً" به واقع فقر به کفر می‌انجامد و کفر،